

# آموزش تار و سه تار

■ آموزش تار و سه تار  
■ تالیف و تصنیف: دکتر اسدالله حجازی  
■ انتشارات روزنه



تشریح قسمت‌های مختلف آن اشاره شده است. کتاب دوره سوم و چهارم نیز در چهار بخش ارائه شده شامل

- آشنایی با پیش درآمد، رنگ و قطعات ضربی در موسیقی ایرانی
- آشنایی با آتودهای مختلف در گام‌های ماژور و مینور و ایرانی
- تمرین‌های دو - سه - چهارنوازی در فرم‌های مختلف
- آکوردهای دو - سه و چهار تایی در گام‌های مختلف موسیقی ایرانی که مولف به یکی از اشکالات مهم در آهنگ‌های ایرانی یعنی یک صدایی بودن ملودی‌های آنها که حالت مونوتونی را به وجود می‌آورد اشاره می‌کند. و متذکر می‌شود که تا به امروز برای چند صدایی کردن ملودی‌های ایرانی قوانین مستندی وجود نداشتند و اغلب آهنگسازان نیز با این مشکل روبه رو بوده‌اند. در این بخش سعی شده در چند گام متفاوت ایرانی صداهای مناسب (دو و سه و چهار صدایی) نسبت به مطبوعیت آن آکورد یعنی از گرد که بهترین آکورد است، شروع و تا دولا چنگ که تا حدی قابل قبول است ختم گردد.

همچنین به این نکته نیز اشاره شد که هنرجو پس از فراگیری دوره سوم می‌تواند دوره ردیف‌نوازی و تکنیک‌های مضرابی را با توانایی و اطلاعاتی بیشتر به اتمام رساند.

کتاب در قطع رحلی و در دو جلد (دوره اول و دوم - دوره سوم و چهارم)، با شمارگان ۱۵۰۰ نسخه و قیمت ۲۷۹۰ تومان منتشر شده است.

تحولات در زمینه موسیقی ایران که موجبات پدید آمدن پایه و اساسی علمی و مستحکم مبتنی بر اصول باشد و بتواند تمامی تجربیات گذشتگان را دربر بگیرد و همزمان با ارائه تکنیک و شیوه‌های نوین زمینه‌ای جامع جهت هر نوع نوآوری و ترقی و پیشرفت موسیقی را ممکن سازد، تلاش تمامی پیشکسوتان و استادان معاصر بوده است.

اثر حاضر نیز گامی است در نیل به این راستا و رسیدن به هدف اصلی که همانا اشاعه موسیقی ایرانی با روش و اسلوبی نوین است. اینک چاپ چهارم این کتاب با گسترش و بازنگری (ارائه تمرین‌های بیشتر و آسانتر در مراحل اولیه آموزش جابجایی و تقسیم‌بندی بهتر دروس) در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است.

نگارنده با ذکر این نکته که توانایی فراگیری موسیقی در ارتباط با خواص ذاتی و استعدادهای نهفته هر فرد می‌باشد، بی‌شک قدرت تفهیم مطالب موسیقی نیز در افراد متفاوت خواهد بود. به همین دلیل، در آموزش موسیقی باید روش‌های متفاوتی برای تدریس انتخاب شود. بنابراین در بخش آموزش تار (دوره اول و دوم)، با رعایت نکته بالا، روش‌هایی جهت فراگیری تار برای سنین مختلف و با استعدادهای متفاوت به طور نسبی پیشنهاد و تقسیم‌بندی شده است. چنان که در دوره اول به مفاهیم اولیه، آشنایی با سیم‌های تار، آشنایی با نت‌های بالا دسته، آشنایی با علامات کشش و کاهش کشش و موارد دیگر اشاره شده است و در دوره دوم نیز به موضوعاتی چون علامات تغییردهنده و آشنایی با آن، آشنایی با میزان‌های ترکیبی، آشنایی با سی‌بمل و... و آشنایی با فرم‌های مختلف و چهار مضراب، آشنایی با دونوازی، آشنایی با ساختمان تار و

روزنامه، که آن همه دلبسته‌ی آن بود، از زبان یکی از تیپ‌های «سرگذشت یک روزنامه نگار» می‌گوید: «روزنامه منشأ خیر و شر است» و در همین نمایش لیه‌ی تیز نقد خود را متوجه تازه به دوران رسیده‌هایی همچون مذذب‌الملک می‌کند، ضمن آن که رفتارهای دوگانه‌ی یونس خان را نیز از تیغ نقد بی‌بهره نمی‌گذارد. یکی از مایه‌های تکرار شونده در آثار مؤیدالممالک مایه‌ی شکوه است، تقریباً همه‌ی پرده‌های نمایش‌های او با شکایت یکی از مستخدمین که غالباً نقش چندانی در نمایش ندارد، آغاز می‌شود. پس از این نمایش به گونه‌ای گسترش می‌یابد که گویی نویسنده هدفی جز توسعه‌ی شکایت نخستین نداشته و انگار که خود او با شخصیت نمایش همصدا شده است.

بنابراین شاید بتوان به تسامح نمایش‌های مؤیدالممالک را نمایش شکایت و هشدار نامید. در پرده‌ی «حکام قدیم» او از شیوه‌ی استبدادی حکومت شکایت می‌کند و در پرده‌ی «حکام جدید» نسبت به حیات مجدد همان شیوه‌ها هشدار می‌دهد.

در همه‌ی نمایش‌های او سمت و سوی اصلی نقد متوجه دیوانسالاری اداری است که با مشروطیت زاده شدند، اما روح ارتشا و ستمگری حکومت قدیم همچنان در آن‌ها زنده است.

نمایش «حکام قدیم، حکام جدید» از این جهت بسیار جالب توجه است. همچنان که نام نمایش دو بخشی است، همه‌ی عناصر نیز در این نمایش به دو بخش تقسیم می‌شوند. اما نمایشنامه‌نویس هوشمندانه هشدار می‌دهد که این تغییر را چندان جدی نگیریم. اگر پای‌بندی به گفتمان اصلی مشروطیت یعنی قانون و تجدد نباشد، این تغییر بنیادین نخواهد بود. از همین رو رفتار حکومت قدیم به سادگی قابل ترجمه به رفتار ظاهری دوران جدید است. فراش باشی و منشی باشی به مجری دیوان و ندیم دیوان تغییر عنوان می‌دهد، بی آن که شیوه‌ی آیین استیفا و احتساب دگرگون شده باشد. حاکم نیز به جای آن که روی زمین بنشیند و قلیان دود کند، بر روی صندلی سیگار می‌کشد. یا عیایان پیشین به «مقصرین پولیتیک» دوران جدید بدل می‌شوند. و در مجموع، در فقدان قانون و پای‌بندی به روح تجدد، حکومت جدید جز تداوم حکومت قدیم نیست. نویسنده این مضمون را به خوبی در باقی ماندن میراث حکومت خان حاکم در خاندان او [حکومت پسرش جاهدالملک در دوران پس از مشروطیت] نشان می‌دهد.

هشدار مؤیدالممالک به زمان او محدود نمی‌ماند و به دوران خواننده‌ی امروزی که همچنان ناظر چالش میان سنت و تجدد و قانون و بی‌قانونی است تسری می‌یابد، و این همان منظری است که ما از ابتدا کوشیده‌ایم از طریق آن به تیاتر مؤیدالممالک نظر کنیم، زیرا بنیاد مسایل دوران ما همچنان بر مرده ریگ گفتمان اصلی مشروطیت تنفس می‌کند. برای ما فُکلی‌های عصر جدید، نمایش‌های مؤیدالممالک همچنان قابلیت خواندن را، نه به عنوان اثری از دورانی سپری شده، بل همچون تمثیلی برای دوران معاصر دارد.